

حجت الاسلام جدایی در نامه‌ای به وزارت ارشاد خواستار برگزاری کنسرت در شهر اسلام برای شادی مردم شده است

از این امام جمعه باید قدر دانی کرد



آفتاب یزد - گروه شبکه: به کرات شنیده‌ایم که کنسرت فلان خواننده در برخی از شهرها بنا به دلایل مختلفی لغو شده است. این موضوع در استان بزرگی چون خراسان رضوی به ویژه شهر مشهد نمود بیشتری دارد. در واقع می‌توان گفت که در این استان برگزاری کنسرت به نوعی ممنوع است. همین چند وقت پیش بود که امام جمعه رامسر نیز بعد از دستور آیت‌الله علم‌الهدی مبنی بر ممنوعیت برگزاری کنسرت در مشهد در نامه‌ای به اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی این شهر، برگزاری هرگونه کنسرت موسیقی پاپ را در این شهر ممنوع اعلام کرده و گفته بود: «تاکید می‌نمایم هرگونه اجرای موسیقی پاپ در محدوده شهری رامسر و کتاب و سادات شهر ممنوع بوده است و فقط اجرای زنده موسیقی سنتی و برگزاری جنگ‌های شادی با تعریف خاص قانونی در محدوده شهرهای یاد شده مجاز می‌باشد.»

اما این بار موضوع فرق می‌کند. خبر درخواست برگزاری یک کنسرت آنهم از سوی یک امام جمعه استان روحانی‌ای که برای شاد کردن مردم شهرش چنین درخواستی را از مدیر ارشاد گیلان داشته است. یکی از فعالان رسانه‌ای در توییتر، تصویر نامه اصغر جدایی، امام جمعه اسلام (از استان گیلان) به مدیرکل ارشاد استان را منتشر کرده است که در آن برای دعوت از یک خواننده مورد اقبال جوانان برای برگزاری مراسم جشن و شادی (با رعایت موازین شرعی) درخواست شده است. خبر خوبی که با واکنش‌های مثبت کاربران شبکه‌های اجتماعی روبه‌رو شده است.

یکی از کاربران در این مورد نوشته است: «جاداره به تشکر ویژه بکنیم از امام جمعه اسلام که با نامه به اداره ارشاد اسلام خواهان برگزاری کنسرت برای شادی مردم شد. ممنون امام جمعه اسلام.» فرد دیگری نوشته است: «شاید باورتون نشه ولی امام جمعه اسلام از مدیر ارشاد گیلان خواسته از یک خواننده برای شاد کردن روحیه مردم اسلام دعوت و کنسرتی برای مردم برگزار شود!»



دیگری نوشت: «باز حداقل در حدود شرعی، مسردرو قابل حضور در یک کنسرت دوست! دم هجرتین امام جمعه‌ای گرم.» یکی دیگر از کاربران گفته است: «امام جمعه این مدلی هم داریم.» کاربران دیگر نوشته‌اند: «این قضیه‌رو می‌توان تغییر مثبتی در نظر گرفت.» «چه با حاله این امام جمعه؛ تو نامه‌اش می‌گه که چند سال گذشته خیلی عزاداری کردیم، به خواننده مردم پسند بیاری مردم رو شاد کنه.» «خداییش آدم با آدم فقدر فرق می‌کنه ایشونم تو حوزه درس خونده و...»، «ایشون جناب آقای حجت‌الاسلام والمسلمین



گلزار بازرس نامحسوس پلیس راهور شد در همایش بازرسان نامحسوس ترافیک و پلیس‌های افتخاری، محمدرضا گلزار، حسام نواب صفوی و علی دهکردی به عنوان بازرس نامحسوس ترافیک معرفی شدند.



لیگ دسته اول فوتبال ایران خانواده‌ای که در ورزشگاه انقلاب کرج، بازی اکسین البرز و ماشین سازی تبریز را با هم تماشا کردند.



آب تنی میمون‌های ژاپنی در عکس روز نشنال جئوگرافیک



تعظیم یک مرد ژاپنی به دریا برای گرامیداشت یاد قربانیان فاجعه سونامی سال ۲۰۱۱ در این کشور



رونمایی از تندیس آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تالار مشاهیر برج میلاد محسن هاشمی: جای خالی پدر را حس کردیم

آفتاب یزد - گروه شبکه: عصر دوشنبه ۲۱ اسفند تندیس آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تالار مشاهیر برج میلاد با حضور محمدعلی نجفی شهردار تهران، محسن هاشمی رئیس شورای شهر و جمعی از اعضای شورای شهر تهران و خانواده مرحوم هاشمی رونمایی شد. نکته جالب توجه این مراسم فضای احساسی ایجاد شده توسط فرزندان سردار سازندگی بود. چرا که وقتی فرزندان آیت الله به‌ویژه فاطمه هاشمی با تندیس پدرشان روبه‌رو می‌شوند، اشک از دیدگان‌شان جاری می‌شود. اینجا دیگر رابطه فرزندان با پدر است که حکم می‌کند. رابطه سال‌ها باهم بودن، سفرکردن، حرف زدن و درد دل کردن. اینجا هاشمی، پدر یک دختر است، دختری که هنوز هم بعد از گذشت بیش از یک‌سال بی‌تاب دیدار پدر است و با هر حرف و سخن از او یا با دیدن تندیسش اشک می‌ریزد. چه خوب که این‌بار تندیس یک شخصیت برجسته سیاسی کاملاً شبیه چهره اوست و توانسته چنین حس و حالی را برای فرزندان ایجاد کند.

محسن هاشمی در گفت‌وگویی کوتاه با آفتاب یزد در مورد حس و حال‌شان در آن روز می‌گوید: «آن روز با دیدن تندیس پدر، جای خالی ایشان را حس کردیم و این شعر بود اخلاق خوشش ورد زبان دیگران/ اعتباری که به ما هست ز ایشان داریم» در ذهن‌مان تداعی شد. واقعا در آن لحظه به این دو موضوع فکر کردیم.»



وسایط نقلیه عمومی استفاده کنند، زیرا اگر جیب مهم‌تر باشد بسیاری از مسافران معمول اتوبوس و مترو با محاسبه مدت زمان انتظار و رسیدن به مقصد و در نظر گرفتن درآمد ساعتی خویشان به استفاده از تاکسی روی خوش نشان داده و درباره این به کارگیری، «می‌صرفد» می‌گویند. متأسفانه در حساب و کتاب‌های اینچنینی ضرر و زیان بیماری‌های منتقله از راه هوا که امان ما را خواهد برید و ما را به نتیجه «اصلا به صرفه نیست» خواهد کشاند کاملاً نادیده گرفته می‌شود. به‌عنوان سومین معضل می‌توان به یک مشکل روستایی و نه شهری اشاره نمود. سالهاست که بسیاری از روستاهای کشور با نبود و کمبود گاز مواجه هستند و در انتظار روزی می‌باشند که شرکت محترم گاز، ایشان را دریافته و نسبت به گازکشی و گازرسانی منطقه به آنها روی خوش نشان دهد. این در حالی است که در بیشتر این روستاها مواد اولیه تولید گاز که فضولات حیوانی می‌باشد در اختیار بوده است. همتی بسیار کمتر از گازرسانی می‌طلبد تا روستاهای بدون گاز فعلی موجود در کشور ما تا این اندازه قابل ملاحظه نباشند. نکته مهم و اساسی این است که فضولات حیوانی را شده در بسیاری از روستاها عامل مهم تولید متان و گرمایش جهانی هستند و این همان دلیل است که موجب شده محیط زیستی‌ها به متان موجود در بیوکاز بیش

نیستیم» بدانیم زیرا پتیر فاسد یکی از اعضای خانواده ما را بیمار می‌کند، اما راهی کردن مواد غیرقابل بازیافت به سطل زباله مخصوص مواد بازیافتی، ضمن خلاص کردن ما از شسر برخی زباله‌ها، تنها با سلامتی دیگران سرو کار خواهد داشت. به عنوان موردی دیگر به تردد با وسایط نقلیه عمومی اشاره می‌کنیم. چند سالی است که آلودگی هوای پایتخت نفس‌های ششماری از افراد را به شماره انداخته و گروهی دیگر را راهی آرامستان کرده است. راه چاره اساسی طولانی مدت قطعاً خلوت کردن پایتخت است. اما تا آن دیرنگام نباید دست روی دست گذاشته و دل را به باد و باران و توفان خوش نمود. خوشبختانه در این زمینه مسئولین و پسماندان امور، کار را به مراتب بهتر از مدیران پسماند پیش برده‌اند، زیرا عمده تبلیغات استفاده از مترو و اتوبوس بیش از «رزانی»، «مبارزه با آلودگی هوا» را نشانه گرفته است. شاید گفته شود که با توجه به جیب خالی بیشتر مردم، اگر بیشتر حواس مسئولین و دولتمردان بر ارزان‌سازی حمل و نقل عمومی بود نتیجه‌ای به مراتب بهتر به دست می‌آمد. این حرف، حرف درستی است و مسئولین و متصدیان امور باید کاری کنند که تردد با وسایط نقلیه عمومی تا آنجا که ممکن است برای مردم ارزان‌تر تمام شود. با این حال مردم باید در وهله اول در راستای کمک به پاکسازی هوا و نه جیب خود از

کشورمان «هر روز بدتر از دیروز» باشد. به عنوان نمونه می‌توان به مدیریت پسماند اشاره کرد. در این زمینه تاکید فراوان بر ارزش بازیافت مواد و بی توجهی مطلق به علامت قابلیت بازیافت مندرج در روی محصولات موجب شده بسیاری از مسواک غیرقابل بازیافت خرید و فروش خوبی داشته و سر از محصولات تولیدی در بیابان. اینک در این باب کمتر کسی به این نکته که این محصولات جدیدالورود با سلامت مردم چه می‌کنند کار ندارد قابل تامل و غیرقابل تحمل می‌باشد. جالب است که ما در هنگام خرید هر محصول، تاریخ تولید و تاریخ انقضا را دیده اما کاری به اینکه محصول علامت قابلیت بازیافت دارد یا ندارد نداریم. سوال این است که وقتی با محصول تاریخ گذشته روبه‌رو می‌شویم چرا از خرید خودداری می‌کنیم؟ آیا چون باید مثلاً برای خرید پتیر تاریخ گذشته پول کمتری بدهیم منصرف می‌شویم. همه می‌دانیم که هرگز چنین نیست و عدم خرید ما تنها از این واقعیت که ما برای سلامتی خویش ارزش قائلیم سرچشمه می‌گیرد. توجیه به علامت قابلیت بازیافت هم دقیقاً به این دلیل که با سلامت مردم سر و کار دارد باید جدی گرفته شود. جدی گرفته نشدن این موضوع را با کمال تأسف باید نشات گرفته از واقعیت «ما برای سلامتی دیگران ارزش قائل

با این دیدگاه برای بسیاری از آمریکایی‌ها طبیعی و دوست داشتنی است که ترامپ را بی توجه به گرمایش جهانی و تغییرات اقلیمی که فاجعه‌ای زیست‌محیطی را رقم خواهد زد ببینند. چالش میان اقتصاد و محیط زیست تا آن اندازه زیاد است که بسیاری از کشورها در اینک سلامت مردم به بهداشت و درمان را نیز همچون سایر امور در اختیار بخش خصوصی قرار دهند، دچار شک و شبهه شده‌اند، زیرا اگر این امور در اختیار دولت باشد احتمال زیاد دارد که بودجه حیث شده و چیز زیادی عاید محیط زیست نشود و چنانچه متولی امور بخش خصوصی گردد، با توجه به اولویت یافتن سود مالی بر سلامت مردم، بسیار محتمل است که هزینه‌ها میل گشته و به خوبی و در جایشان نیفتند. به این ترتیب خیلی از کشورها راه حل بینابین را برگزیده و ضمن اینکه امور مربوط به محیط زیست را در اختیار بخش خصوصی قرار داده‌اند، با کنترل‌های شدید دولتی کاری کرده‌اند که سلامت مردم چیزی بسیار مهم به حساب آورده شود. با کمال تأسف باید گفت که مقوله‌های زیست محیطی مختلف کشور ما، هم از نگاه مردم و هم از دید مسئولین جز چیزهایی که می‌توان از آنها نان خوبی درآورده و کاسبی درست و حسابی کرد شناخته نمی‌شوند و این همان دلیل اصلی است که باعث می‌شود اوضاع و احوال زیست محیطی

اقتصاد و محیط زیست؟! محمدماکویی



شاید باورش سخت باشد، اما نقرتی که فعالان زیست محیطی سراسر جهان از رئیس جمهور فعلی ایالات متحده آمریکا دارند بسیار بیش از ما ایرانیان است. دلیل این امر این است که ترامپ یک سوداگر قهار است. اصولاً، آنهایی که اقتصاد را بسیار دوست دارند و به کسب درآمد بیش از میزان لازم بها می‌دهند قادر نیستند برای محیط زیست و سالم نگه داشتن آن تره درست و حسابی خرد کنند، به ویژه اینکه سالم نگه‌داشتن محیط زیست بازگشت سرمایه طولانی مدتی را که از حوصله غالب فعالان اقتصادی بیرون است، دارد. به عنوان نمونه در حالی که بیان «سال‌ها طول می‌کشد تا پلاستیک تجزیه شود» حرف دل بسیاری از فعالان زیست محیطی است و روی این حساب کارهای بسیاری از ایشان بر محدود کردن مصرف پلاستیک متمرکز است، فعالان عرصه اقلاد عمر محدود خودشان و نه نوع زیست را ملاحظه قرار داده و بی توجه به اینکه محیط زیست امری است که باید انگونه که هست در اختیار نسل‌های بعدی قرار داده شود، تولید پلاستیک را امری کاملاً سودآور می‌بینند.